گفت‌وگو با جمال رحمتی که روایت‌هایی از رویارویی با امام رضا(ع) و حرم رضوی را تصویر کرده است

تصویر آنچه در تصور نمی‌آید

علی باقریان

گفت‌وگوی روز

شاعری از نقاشی خواسته آنچه به کلام درنمی‌آید، تصویر شود؛ و نقاشی آرزو داشته آنچه شاعری می‌سراید، به تصویر درآید. آری؛ هر هنری ابزارهایی ویژه و البته محدود دارد که صاحب آن را به کارهایی توانا می‌سازد و از کارهایی بازمی‌دارد. اما تلفیق هنرها گستره خلاقیت را وسیع‌تر کرده و امکان عبور از برخی مرزها را فراهم می‌آورد. می‌توان در نمایش از موسیقی بهره گرفت یا در معماری از ادبیات استفاده کرد. نمونه‌ای از این درهم‌آمیزی در کتاب‌های مصور دیده می‌شود، جایی که متن و تصویر کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا مخلوقی بیافرینند که گفتن یا نمایاندن آن به تنهایی امکان ندارد یا چندان ثمربخش نیست.

در میان هنرهای بصری، آنچه برای اهل قلم امکانات بیشتری فراهم می‌آورد نقاشی و طراحی و زیرشاخه‌های آن است که در قیاس با -مثلا- عکاسی مجالی بیشتر دارد و در تصویرکردن امور و پدیدارهای انتزاعی دستی گشاده‌تر.

تصویرگری آثار ادب دینی هم، علاوه بر آنکه اغلب به زیباترشدن این آثار یاری می‌رساند، در انتقال پیام آن‌ها نیز مؤثر می‌افتد؛ یک شاهدِ صادق کتاب مصور «خورشید از نزدیک» است، روایت‌هایی از مواجهه غربیان با امام رضا(ع) و حرم رضوی. در این اثر که گزیده‌ای از چند سفرنامه به‌کوشش مهدی قزلی است، جمال رحمتی با تصویرسازی‌های خود به یاری روایت و روایتگران آمده است. با او درباره این همکاری گپ زده‌ایم.

نمونه‌ای از آثار تصویرسازی جمال رحمتی در کتاب «خورشید از نزدیک»

بهرام بیضایی در نمایشنامه «مجلس ضربت زدن»، که روند اجرای نمایشی درباره ضربت خوردن حضرت علی(ع) را روایت می‌کند، می‌گوید که نمی‌گذارند و نمی‌شود بازیگری نقش خود حضرت را بازی کند: «ما نمی‌توانیم اولیا را نشان بدهیم، چون هیچ بازیگری آن‌قدر معصوم نیست که بتواند تجسم مقدسین باشد.» مقصود این است که ساختن نمایش دینی دشوار است، زیرا عناصر اصلی را نمی‌توان نشان داد. چنین محدودیتی در تصویرسازی دینی و مذهبی نیز وجود دارد؟

بستگی به موضوعی دارد که در تصویرسازی به آن پرداخته می‌شود؛ اگر یک حکم کلی بدهیم، ممکن است درست نباشد. مشخصا، ما چهره معصومین و امامان را نمی‌توانیم به تصویر بکشیم. از مینیاتورها تا تصویرسازی‌های امروزی، در همه، معمولا، این نکته لحاظ شده است، تا نشان داده شود که این‌ها فراانسان‌اند. برای همین، بله، در جاهایی که معصومین و امامان باشند، طبق آنچه در سابقه نقاشی ایرانی هم می‌بینیم، به چهره ایشان پرداخته نمی‌شود. البته تصور اینکه -مثلا- حضرت علی(ع) چه قدی داشته، چه جثه‌ای داشته هم دشوار است.

آیا این محدودیت فقط به تصویرکردن چهره معصومین مربوط می‌شود، یا برخی رفتارها و حالات ایشان را نیز نمی‌توان به تصویر کشید؟

کار تصویرگر تسهیل تصور آن داستان و آن اتفاق است؛ یعنی، سوای زیباسازی مطلب، باید به مخاطب کمک کند بتواند از چیزی که می‌خواند تصور درستی داشته باشد. به واسطه همین، معراج پیامبر را هم در تصویرسازی‌ها داریم. اما این معنی‌اش آن نیست که آنچه می‌بینیم معادل تصویر معراجی است که از آن صحبت می‌شود؛ درواقع، مینیاتوریست واقعه را از منظر خودش دیده است و ممکن است یک مینیاتوریست دیگر، یک تصویرگر دیگر، یک نقاش دیگر همین اتفاق را یک جور دیگر ببیند. مثل این است که یک درخت را طراحان مختلف بکشند، کار هرکدام از آن‌ها طعم و مزه خاصی دارد، حس خاصی می‌دهد که با حس کار طراح دیگر متفاوت است. و زیبایی کار همین جاست که هرکدام دارد از نگاه خودش می‌بیند.

این مسئله، فی‌نفسه، برای شما که قصد فعالیت در این زمینه را دارید، مشکلی یا چالشی ایجاد نمی‌کند؟ اینکه برخی کارها را نمی‌توانید انجام دهید؟

برای من، کاری که در این مجموعه انجام دادم از جهاتی تازگی داشت. به عنوان یک طراح، که اغلب به طرح‌هایی با طنز تلخ پرداخته‌ام، این فضا با آنچه پیش‌تر تجربه کرده بودم تفاوت داشت. قرار بود لحنم را تغییر دهم، شیوه نگاهم به موضوع را. این تجربه برای من فوق‌العاده جذاب بود. مثلا وقتی از مشهد قدیم صحبت می‌شد، از چراغانی‌ای که انجام شده بود و سیاحی که با دوست مشهدی‌اش شبانه پا می‌شود می‌رود در آن می‌چرخد، باید تصور می‌کردم که چراغانی آن دوره چطور بوده است (چون طبیعتا با چراغانی الان متفاوت بوده است). سپس به این فکر می‌کردم که احتمالا با فانوس بوده باشد. این چالش بود، یا -مثلا- اینکه باید تصور می‌کردم دویست سال پیش مردم چه لباس‌هایی می‌پوشیده‌اند، مغازه‌دار چه تفاوتی داشته است، و خیابانی که محل دادوستد بود و جماعت زیادی در آن حین خریدوفروش در هم می‌لولیده‌اند چطوری بوده است. آیا زنان در آن نقش داشته‌اند؟ اگر بله، در چه شکلی؟ آیا فضا بیشتر مردانه بوده است؟ سپس، با خودم فکر می‌کردم و به این نتیجه می‌رسیدم که فضا نمی‌توانسته صرفا مردانه باشد، زیرا خانواده‌ها برای زیارت می‌آمدند و به همین دلیل، در آن همه جور آدمی دیده می‌شد؛ کودک، بزرگ‌سال، مرد، زن، جوان، پیر. همین تصورکردن‌ها برای من چالش بود، اما چالشی جذاب و متفاوت از کارهایی که تا آن زمان انجام داده بودم.

جاهایی هم مستقیم از واقعیت اقتباس شده است دیگر، در کاشی‌ها و نقش‌ونگارها؟

من در همه مراحل به اسناد رجوع کرده‌ام. مثلا برای تصویرکردن نقاره و نقاره‌خانه، عکس‌های قدیمی را بررسی کردم و متوجه شدم که نقاره‌خانه قدیم با نقاره‌خانه فعلی تفاوت داشته است. بنابراین، طراحی را بر اساس آنچه در گذشته وجود داشت انجام دادم تا با واقعیت مطابقت داشته باشد. پس طراحی آنچه می‌بینید مابه‌ازای واقعی دارد و با کار تحقیقی صورت گرفته است.

منظورم بیشتر کتیبه‌ها بود که ظاهرا عکس هستند.

عکس نیست؛ مافضایی سه‌بعدی ساختیم تابتوانیم آن را از زوایای مختلف تصویر کنیم. بافت‌هایی که پشت تصاویر قرار دارند، از نمونه‌های واقعی عکاسی شده و در فضای سه‌بعدی جاگذاری شده‌اند. اکنون می‌توانیم در آن فضا دوربین را در زوایای مختلف تنظیم کرده و از موقعیت دلخواه عکس برداری کنیم. بله، تصویرسازی در برخی موارد تلفیقی است؛ تلفیقی از کار سه‌بعدی یکی از دوستان و تصویرسازی من. مثل فتومونتاژ است؛ در فتومونتاژ ما همین روش را به‌کار می‌گیریم. در اینجا، به دلیل مذهبی بودن موضوع، دقت در تصاویر اهمیت زیادی داشت. مثلا کتیبه‌ها باید دقیقا مطابق همان کتیبه باشد، چون جابه‌جایی یک فتحه یا ضمه هم ممکن است معنای متن آن را عوض کند.

با توجه به نکته‌ای که خودتان هم به آن اشاره کردید و مصداقی که برشمردید، می‌خواهم بدانم چطور با آن سابقه برای این کار سراغ شما آمدند. البته می‌دانم که شما کار مذهبی هم کرده بودید.

من در دانشگاه تهران گرافیک خوانده‌ام و طبیعتا تصویرگرم. تصویرگر باید این توانایی را داشته باشد که در هر زمینه‌ای کار کند. من هم این توانایی را دارم، چون پیش از این نقاش بوده‌ام و کارم جدی بوده؛ در کارتون و کاریکاتور هم کار من جدی است و با آن ذهنیت از کارتون و کاریکاتور -که عمدتا تصویرهای گل آقایی است- خیلی فرق دارد. همچنین، به فردی نیاز داشتند که بتواند کار را در زمان مقرر عمل می‌کند، مثلا اگر قرار باشد اغراقی در کار باشد، به یک شکل اغراق می‌کند. اگر رنگی وارد کند، باقاعده‌ای مشخص این کار را انجام می‌دهد_مثلا یک رنگ سلطه می‌آورد و رنگ‌های دیگر را روی آن از حالت خنثی خارج کرده و نور می‌دهد_از یک قاعده پیروی می‌کند. این‌ها مربوط به بخش فرم است. در فرم، من این هماهنگی را لحاظ کرده‌ام و هارمونی خود به خود ایجاد شده است. محتوا، هرچند از دوره‌های مختلف باشد، تأثیر چندانی بر این انسجام ندارد؛ بیشتر بخش فرم است که باعث انسجام می‌شود.

ازآنجاکه تصویرگری در اینجا براساس آنچه از پیش موجود است انجام می‌شود و امکان تغییر در آن‌ها وجود ندارد، آیا ازدیاد توصیف‌ها به شما کمک می‌کند، یا گاهی محدودیت ایجاد می‌کند؟

به نظر من، این مسئله بستگی دارد به اینکه تصویر مدنظر مستند باشد یا غیرمستند؛ همین تعیین‌کننده است.

اگر بخواهید مستند باشد، آن توصیفات به درد می‌خورد.

خیلی به درد می‌خورد. در این جور کارها، برای چه می‌آیند سراغ تصویر؟ سوای زیباسازی، می‌خواهند بیننده بتواند آن دوره را تصور کند و این تصویر کمک می‌کند. مثلا، آنجاکه از خیابانی صحبت می‌شود که دو طرف آن مغازه است، من رفتگری را گذاشته‌ام که هم‌زمان با طلوع آفتاب و در پس‌زمینه حرم دارد خیابان را تمیز می‌کند. همان توصیفات به مستندسازی کمک کرده‌اند. من رفتم معماری قدیم حرم را دیدم، خیابانی را که نویسنده می‌گفت از وسط آن جویی می‌رفته و در آن جو سنگ‌هایی بوده است. اما، اگر قرار باشد تصویرسازی غیرمستند باشد و بیشتر حاصل تخیل باشد، طراح کار خودش را می‌کند؛ چنان‌که در تصویرسازی شعر؛ شما، شعر را که می‌خوانید، همه آن را تصویر نمی‌کنید. یک چیزهایی به عنوان عنصر بصری دست شمای طراح را می‌گیرد و بهانه‌ای می‌شود برای اینکه یک تصویر درست کنید. بنابراین، من این جور تقسیم‌بندی می‌کنم؛ تصویرسازی مستند و واقعی که در متن‌های تاریخی، سفارش‌دهنده معمولا به آن تمایل دارد و تصویرسازی غیرمستند که در آن می‌شود دامنه تخیل را گسترش داد.

یعنی انتخاب شما_مثلا اینکه رفتگر در آن حالت باشد و جوی آب از وسط رد شود_مورد پسند آقای قزلی بوده است؟

بله، چون دیده که مطابق با متن است.

پس تصویرسازی، حتی در روایت‌های مستند، چون فقط بخشی از واقعیت را می‌گیرد و یک جنبه را برجسته می‌کند، در عمل در بیشتر دیده شدن یا خوانده شدن آن بخش تأثیر می‌گذارد.

این مانند برخوردی است که کارگردان دارد. شما می‌خواهید دو خانم را نشان بدهید که مخفیانه از حرم فیلم برداری می‌کنند. آن‌ها را در بخشی از کادر قرار می‌دهید و باقی میزانسن را به‌گونه‌ای می‌چینید که توجه بیننده به آن دو جلب شود. شما روایتی را می‌خوانید که طبق آن دو خانم، میان جماعتی که در حرم حضور داشته‌اند، مشغول فیلم برداری بوده‌اند، اما در نهایت آن را به شیوه‌ای که خودتان می‌خواهید، تصور می‌کنید. پس توصیفات هیچ‌گاه مزاحم نیستند، بلکه کمک می‌کند؛ زیرا طراح از دید خودش به آن نگاه می‌کند، حتی در آن کار مستند. آخر کارگردان، به ویژه اگر خودش تهیه‌کننده و نویسنده هم باشد، چون صاحب اثر است، خودش تصمیم می‌گیرد که چطور میزانسن را بچیند و کدام نما را در تدوین بیاورد. اما در اینجا، با حضور دو نفر، یک تصویرساز و یک مؤلف، ماجرا متفاوت است.

هنر سفارش‌دهنده این است که فردی را پیدا کند که با او هماهنگی ذهنی داشته باشد. اگر کار به یک طراح دیگر سپرده می‌شد، او از زاویه دیگری می‌دید؛ زاویه‌ای که ممکن بود با ذهنیت سفارش‌دهنده هم‌خوان باشد یا در تضاد قرار بگیرد. به همین دلیل، مسئله اصلی انتخاب فردی است که با شما هم‌راستا باشد. اصولا اتودهای اولیه نیز برای درک و ایجاد همین هماهنگی انجام می‌شود.

در توانایی شما شکی نیست. منظورم این بود که افراد چطور به این نتیجه رسیدند که سراغ جمال رحمتی بروند.

خب، کارهای دیگری از من دیده بودند. پیش‌تر دبیر بخش تصویرسازی مجلات «همشهری» بودم، جایی که آثار جدی دیگری نیز تولید می‌شد. دامنه فعالیت‌های هر فردی باعث می‌شود دیگران چنین ذهنیتی نسبت به او پیدا کنند. آقای قزلی نیز آنجا سردبیر مجله «داستان» بودند و به توانایی من احاطه داشتند. به همین دلیل به من مراجعه کردند. من هم تلاش کردم پاسخ مناسبی به این اعتمادشان بدهم.

مشخصا، در روند تصویرگری این اثر، با توجه به اینکه محتوا سفرنامه است، توصیفات زائر، مسافر یا توریست چه کمکی به شما کرده است؟ آیا به آن‌ها توجه خاصی داشته‌اید؟

من با دقت همه را می‌خواندم و جست‌وجو می‌کردم. فرض کنید سیاحی بود که ریشه‌ای روسی داشت. تصویری که برای او در نظر گرفتیم، فردی را نشان می‌دهد که پشت میز نشسته، میان وسایلی که دوروبرش ریخته است_کتاب‌ها و اشیای دیگر_ و مشغول نوشتن است. نشانه‌هایی از مشهد هم هست.

نیکلای خانیکوف!

بله، تصویر ایشان را پیدا کردم و تلاش کردم کارم منطبق با چهره خودش باشد. یک عکس هم از مشهد پیدا کردم که متعلق به همان مقطع تاریخی بود و توانستم آن را در تصویر بگنجانم. منظور اینکه سعی کردم در این زمینه‌ها بسیار دقیق عمل کنم، و همین توصیفات باعث شد که در اجرا این دقت را داشته باشم؛ کمک زیادی می‌کرد.

چیزی که نظر من را در نگاه اول جلب کرد این بود که افراد تصویرها، بیش از هر چیزی، با تیتر هم‌خوانی داشت.

این نتیجه هماهنگی من و آقای قزلی است؛ یعنی با هم بررسی می‌کردیم که تیتر در چه مسیری قرار است پیش برود و در نهایت به تصویر می‌رسیدیم.

عکسش هم بوده که تصویر تعیین‌کننده تیتر بوده باشد؟

ممکن است. من هنوز تیترها را ندیده‌ام. مثلا در اولین اتودی که زدم، کار را کمی به سمت فضای فانتزی بردم؛ یعنی خیلی جدی نبود و حال و هوایی از طنز در فیگورها دیده می‌شد. پس از صحبت با آقای قزلی، در نهایت تصمیم گرفتیم کار را جدی‌تر کنیم؛ یعنی آناتومی‌ها به سمت آناتومی‌های واقعی بروند.

با توجه به اینکه متن‌ها از دوره‌های مختلف و آدم‌ها و فرهنگ‌های مختلف است، تصویرگر چطور به انسجام تکنیکی می‌رسد و موفق می‌شود دنیایی خلق کند که اجزای آن با هم نزدیک باشند؟

وقتی تصویرگر کار می‌کند، دو مسئله پیش رو دارد؛ فرم و محتوا. در بخش فرم، معمولا با یک قاعده مشخص

رسانه ملی در مسیر هشتم

گزارشی از ویژه برنامه‌های تلویزیون در دهه کرامت و ولادت امام رضا(ع)

رومینا مألوف| دهه کرامت برای مردم ایران، فقط یک مناسبت تقویمی نیست؛ فرصتی است برای پیوند دوباره با معنویت، با مهربانی و با سیره اهل بیت(ع). در این میان، صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه کشور، نقشی محوری در بازنمایی جلوه‌های این ایام دارد. امسال نیز رسانه ملی با مجموعه‌ای از ویژه برنامه‌های گفت‌وگومحور، مستند، فیلم‌های سینمایی و نمایش‌های زنده، کوشیده است تا دهه کرامت را از قاب تلویزیون به دل خانه‌های مردم بیاورد.

«میدون خراسون»؛ شب شعر و معرفت با لهجه خراسانی

شبکه یک با ویژه برنامه‌ای متفاوت به نام «میدون خراسون» میزبان مخاطبان شده است. این برنامه که هر روز حوالی ساعت ۱۶ پخش می‌شود، با اجرای صابر خراسانی، شاعر نام‌آشنای مشهدی، حال و هوایی صمیمی دارد. دعوت از مهمانان فرهنگی، شاعران آیینی، مداحان و مردم ساده دل مشهدی، ترکیبی دلنشین از شور و شعور مذهبی پدید آورده است. تولید این برنامه در فضای باز مشهد و با حضور زائران، جلوه‌ای واقعی از حال‌وهوای این روزهای شهر امام رضا(ع) را به تصویر کشیده است.

«پناه»؛ آرامشی از حرم تا خانه‌ها

شبکه ۲ در شب میلاد امام رضا(ع)، ویژه برنامه‌ای زنده با عنوان «پناه» از حرم مطهر رضوی پخش می‌کند. این برنامه که با حضور کارشناسان مذهبی، ذاکران اهل بیت و هنرمندان آیینی همراه است، در تلاش است حس پناهندگی به امام هشتم را در دل خانه‌ها جاری کند. عناصر تصویری حرم، حضور مردم، نواهای زنده و گرافیک مبتنی بر هویت رضوی، این برنامه را به تجربه‌ای حسی تبدیل کرده است.

انس با معرفت رضوی در قاب تلاوت و تفسیر

شبکه قرآن طبق سنت هر ساله، تمرکز خود را بر ارائه معارف رضوی گذاشته است. از پخش سخنرانی‌های تبیینی آیات عظام درباره شخصیت امام رضا(ع) گرفته تا برگزاری محافل انس با قرآن در فضای حرم، شبکه قرآن و جهی معرفتی از دهه کرامت را بازتاب می‌دهد. حضور قاریان بین‌المللی در شب‌های حرم و پوشش تلویزیونی آن، مورد توجه علاقه‌مندان فرهنگ قرآنی قرار گرفته است.

«قرار»؛ بامدادهایی به وقت زیارت

شبکه تهران امسال با برنامه‌ای زنده و شبانه به نام «قرار» از ۱۰ اردیبهشت تا شب میلاد امام رضا(ع)، هر شب ساعت ۰۰:۱۰ از صحن‌های حرم مطهر میزبان شب‌زنده‌داران است. این برنامه ضمن پوشش زنده حال و هوای حرم در ساعت‌های خلوت، با گفت‌وگوهای کوتاه و صمیمی با زائران، تجربه‌ای شاعرانه از زیارت را به مخاطب منتقل می‌کند.

جشن‌ها، پرده‌خوانی‌ها و محافل دخترانه

در صحن‌های مختلف حرم، به ویژه صحن جمهوری اسلامی و کوثر، جشن‌هایی با حضور ذاکران برجسته اهل بیت(ع) و اجرای گروه‌های سرود نوجوان برگزار می‌شود. تشرف جمعی دختران تازه بالغ، یکی از بخش‌های باشکوه این دهه است که با حضور خانواده‌ها، سخنرانی ویژه و اهدای چادر، نماد ورود به حریم بندگی می‌شود.

روایت مهاجرت امام به خراسان

یکی از نقاط اوج فعالیت‌های فرهنگی دهه کرامت در حرم، نمایش خیابانی «قصیده ابدی» است. این اثر نمایشی با بهره‌گیری از روایت تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو، با قالب پرده‌خوانی، نقالی و موسیقی زنده در صحن گوهرشاد اجرا می‌شود. بازیگران این نمایش از میان هنرمندان رضوی انتخاب شده‌اند و نمایش در چندین نوبت روزانه برگزار می‌شود.

برنامه‌های نوجوانان و بانوان؛ از حفظ حدیث تا مسابقه نقاشی

کانون دختران، بخش خواهران و حوزه نوجوانان حرم، امسال با تمرکز بر حفظ حدیث، روخوانی خطبه امام رضا(ع) و مسابقه‌های نقاشی، فضای حرم را برای زائران جوان‌تری نیز آماده کرده است. زبان ساده، روایت کودکانه از سیره امام و برنامه‌های زنده تعاملی با نوجوانان، از دیگر نکات درخورتوجه این بخش‌هاست.

«زیر سایه خورشید» در بیش از ۶۰۰ شهر ایران

طرح فرهنگی و تبلیغی «زیر سایه خورشید» همچون سال‌های گذشته با اعزام گروه‌های خدام رضوی به شهرهای مختلف کشور برگزار می‌شود. در قالب این طرح، پرچم متبرک حرم مطهر امام رضا(ع) به خانه‌ها، مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها و پادگان‌ها می‌رود. خدام در این سفرها علاوه بر ایجاد فضای معنوی، برنامه‌های فرهنگی نظیر اجرای مدیحه‌سرایی، روایتگری، اهدای هدایا و حتی خدمات پزشکی رایگان را به مردم ارائه می‌کنند.

نگاه بین‌المللی؛ کنگره جهانی امام رضا(ع)

دهه کرامت ۱۴۰۴، در عرصه بین‌الملل نیز بازتاب داشته است. کنگره جهانی امام رضا(ع) با حضور نمایندگانی از شانزده کشور اسلامی و غیر اسلامی در مشهد برگزار شده است. همچنین برنامه‌هایی به زبان‌های عربی، اردو، آذری و انگلیسی در حرم مطهر ویژه زائران خارجی تدارک دیده شده است. در ۵۲ نقطه جهان، اعم از مراکز اسلامی، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی ایران، مراسم بزرگداشت این دهه برگزار می‌شود.

***

دهه کرامت در تقویم ایرانی، تنها چند روز میان دو میلاد فرخنده نیست؛ فرصتی است برای تذکر، بازگشت به معنویت، تجدید عهد با اهل بیت(ع) و تمرین زیست دینی. آنچه رسانه ملی و آستان قدس رضوی امسال تدارک دیده‌اند، نمایانگر یک تلاش ملی برای گسترش سیره رضوی در سطح فردی و اجتماعی است. «ایرانِ امام رضا(ع)» نه فقط یک شعار، که افقی فرهنگی است که می‌تواند در برابر بحران‌های هویتی امروز، نقش راهنما داشته باشد.